

از روی دست دیگران

اگر همه فیلمسازان مثل فلینی و فرانچسکو روزی معتقد بودند اقتباس ادبی کار درستی نیست بسیاری از آثار خوب سینمایی و تلویزیونی ساخته نمی‌شد. البته این ادعا به معنی نفی کامل استدلال آندو نیست. می‌شود روی حرف‌هایشان فکر کرد و اگر هم نپذیرفت به آنها حق داد که پی اقتباس ادبی نروند. از حرف‌های فدریکو فلینی این‌طور بر می‌آید که پی فیلمساز مولف بوده و گمان می‌کرده اقتباس این امر را خدشه‌دار می‌کند.

از طرف دیگر دوست داشت در سینما موضوعی را مطرح کند که آن موضوع چارچوب مشخص و معینی داشته باشد و این چارچوب زاییده تصور، نگرش و بیان خودش باشد.

فرانچسکو روزی از بعد دیگری به این موضوع نظر می‌کرد. او معتقد بود با اقتباس ادبی کارگردان هیچ‌گونه پژوهش عمیق در جهت تجزیه و تحلیل داستان فیلم نکرده و این باعث می‌شود خالی از هر احساس و بدون انگیزه مولف بودن يك اثر از پیش آماده را بسازد.

خوشبختانه بسیاری از فیلمسازان بزرگ (هیچکاک، هوارد هاوکز، جان فورد و...) چنین استدلال‌هایی نداشته و فیلم‌های خوبی (سرگیجه، داشتن و نداشتن، خوشه‌های خشم و...) را با اقتباس از رمان‌های مطرح دنیا ساخته‌اند. در ایران هم فیلم‌های ماندگاری همچون گاو، آرامش در حضور دیگران، بی‌بی چلچله، خواهران غریب، دایره مینا، پستچی، نفرین و... از روی دست نویسندگان تبدیل به فیلم شده‌اند. طی دو سال اخیر هم دو سریال نسبتاً خوب و متفاوت (زخم کاری و یاغی) حاصل اقتباس فیلمنامه نویسانش می‌باشد.

یاغی و زخم کاری نشان می‌دهند که اگر درک درستی از ادبیات و سینما وجود داشته باشد، انتخاب خوب باشد و تحلیل درستی از رمان‌ها انجام گیرد نتیجه کار تماشایی می‌شود. البته این دو مجموعه بیانگر يك نکته مهم دیگر نیز هست. ادبیات داستانی ایران نویسندگان خوبی دارد که به دلیل کم مخاطب بودن کتاب و داستان‌چندان مورد اقبال قرار نمی‌گیرند.

سینما و سریال به عنوان رسانه‌ای پرمخاطب می‌تواند رمان‌ها را از قفسه کتابفروشی‌ها روانه خانه کند. استقبال از زخم کاری (محمود حسینی‌زاد) و سالتو (مهدی افروزمنش) پس از نمایش مجموعه‌های زخم کاری و یاغی نمونه‌ای برای این ادعا است. البته باید اعتراف کرد کارگردانی و فضاسازی خوب سازندگان این دو مجموعه از دلایل مهم برجسته شدن داستان فیلم است. محمد کارت در یاغی نشان می‌دهد نه

تنها محل زیست شخصیت‌های فیلم را خوب می‌شناسد، به داستان‌گویی کلاسیک مسلط است، بلکه به خوبی رمان را مال خود کرده است. البته هنوز برای قضاوت درباره این سریال جذاب زود است و باید منتظر قسمت‌های بعدی‌اش ماند. قسمت‌هایی که شاید خوانندگان رمان سالتو را بیشتر و تهیه‌کنندگان و کارگردانان را به اقتباس‌های ادبی علاقه‌مندتر سازد.

*[حسن لطفی](#) ، منتقدسینما